

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال یازدهم، شماره‌ی چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۳۴-۱۰۹  
(مقاله علمی - پژوهشی)

## سیر تاریخی کاربرد خط اویغوری در نسخه‌های خطی ایرانی

سعید خودداری‌نایینی<sup>۱</sup>

### چکیده

پس از حمله‌ی مغول به ایران، عناصر تازه‌ای از فرهنگ اقوام مهاجم وارد فرهنگ ایران شد. خط اویغوری، که با آن زبان مغولی و سپس ترکی شرقی کتابت می‌شد، در سده‌های هشتم و نهم هجری قمری در کتاب‌آرایی ایرانی نیز وارد شد و نسخه‌هایی نفیس در هرات، شیراز، گیلان و احتمالاً یزد با آن کتابت شد. تاکنون بعضی بررسی‌ها روی سکه‌ها و اسنادی که به این خط نوشته شده بوده‌اند صورت گرفته، اما درباره‌ی کتابت اویغوری و شناخت نسخه‌های ایرانی که به این خط کتابت شده‌اند پژوهشی انجام نگرفته است. این نوشتار مطالعه‌ای تاریخی و نسخه‌شناختی برای شناخت کاربرد خط اویغوری در نسخه‌های خطی ایرانی است. نگارنده در این مقاله در پی آن است تا روشن کند چند نسخه به این خط تاکنون در حوزه‌ی فرهنگ ایرانی باقی مانده است. همچنین دامنه‌ی تاریخ و ارتباط این نسخه‌ها از نظر هنری چگونه است؟ در این پژوهش ضمن معرفی بعضی از نسخه‌های ناشناخته به خط اویغوری، تلاش می‌شود ویژگی‌های هنری این نسخه‌ها بیان شود. خط اویغوری در نسخه‌های شناخته‌شده متأثر از الفبای عربی و فارسی، و بیشتر شبیه نسخ است و پس از سده‌ی نهم دیگر برای کتابت استفاده نشد.

واژه‌های کلیدی: هنر کتاب‌آرایی ایرانی، خط اویغوری، دوره‌ی تیموری،

نسخه‌شناسی

---

۱. استادیار دانشگاه هنر، (khoddari@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۹، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶.

## مقدمه

اهمیت و جایگاه هنر کتاب‌آرایی در دوره‌ی تیموری سبب شده است مطالعات بسیاری درباره‌ی هنر این دوره از تاریخ هنر ایرانی انجام شود. با شروع سده‌ی نهم قمری و استقرار حاکمان تیموری، هنرمندان ایرانی فرصتی یافتند تا هنر نقاشی و تذهیب و خوش‌نویسی را به صورت نظام‌مند پیگیری کنند؛ برای مثال در خوش‌نویسی در اواخر سده‌ی هشتم شیوه‌ای تازه (خط نستعلیق) ابداع شد که در سده‌ی نهم به مهم‌ترین خط هنری ایرانی تبدیل شد. خط اوغوری در سده‌ی هشتم رواج بیشتری یافت و نسخه‌هایی از سده‌ی نهم به این خط باقی مانده‌اند که تاکنون در پژوهشی تاریخی بررسی نشده‌اند. در این پژوهش سعی بر آن است تا روشن شود چند نسخه به خط اوغوری باقی مانده است و این نسخه‌ها چه ویژگی‌ها و یا حامیانی داشته‌اند؛ علاوه بر آن شیوه‌های کتابت خط اوغوری در نسخه‌های باقی‌مانده نیز بررسی و نسبت آن با خط‌های رایج هم‌دوره‌ی آن مشخص شود.

## پیشینه‌ی تحقیق

مهم‌ترین تحقیقات درباره‌ی خط اوغوری در دوره‌ی تیموری، بیش از یکصد سال پیش منتشر شده‌اند (De Courteille, 1882 & 1889; Clauson, 1928 & 1962). سید جمال ترابی طباطبایی بر اساس مقالاتی به زبان آلمانی و کتابچه‌ی سکه‌های موزه‌ی بریتانیا رسم‌الخط اوغوری را به صورت مختصر در ابتدای کتاب *سکه‌های ایلخانی و رسم‌الخط اوغوری* معرفی کرده است (۱۳۵۱). کتاب‌ها و مقالات متعددی هم که درباره‌ی نسخه‌ی موسوم به *معراج‌نامه‌ی کتابخانه‌ی فرانسه* نوشته شده‌اند (از جمله: Gruber, 2005 & 2019) غالباً بخش اول این نسخه را که مصور است، بررسی کرده‌اند و به کتابت خط اوغوری و نمونه‌های مختلف آن نپرداخته‌اند.

## روش تحقیق

برای انجام این پژوهش از روش تاریخی استفاده و تلاش شده است با توصیف و تحلیل یافته‌های تاریخی به استنتاجی درباره‌ی تاریخ استفاده از خط اوغوری و نمونه‌های قابل

شناسایی آن دست پیدا کنیم. در این نوشتار نسخه‌هایی که به خط اوغوری نوشته شده بر اساس اطلاعات فهرست‌شناختی، شناسایی و با تحلیل زمان کتابت و نوع خط، روند کتابت به خط اوغوری در فرهنگ ایرانی سده‌های هشتم و نهم بررسی می‌شود.

#### ۱. جایگاه خط اوغوری در سده‌های هشتم و نهم هجری قمری

خط اوغوری یکی از عناصری بود که با هجوم مغول به ایران وارد شد. این خط بر یکی از شیوه‌های خط سریانی (شیوهی نسطوری) استوار است که از راست به چپ نوشته می‌شد (Campbell & Moseley, 2012, 125). خط اوغوری ۱۴ حرف داشت (برای مفردات این خط بنگرید به: Ibid, 127) که به صورت افقی و بر یک کرسی نوشته می‌شد و در دوره‌ی یوان چین هم به کار می‌رفت. در دوره‌ی مغول کتابت «خط مغولی» رواج داشته است و بر پایه‌های (الواح دولتی) دوره‌ی ایلخانی که خارج از ایران ساخته شده هم دیده می‌شود (برای نمونه پایه بنگرید به: خودداری‌نابینی، ۱۳۹۶).<sup>۱</sup> بعضی اسناد و نامه‌ها و مکاتبات دوره‌ی مغول نیز به این خط بر جای مانده‌اند.<sup>۲</sup> اما نگارنده تاکنون نسخه‌ای خطی از دوره‌ی ایلخانی به خط اوغوری شناسایی نکرده است. شاید تنها نمونه‌ی شناخته‌شده خط اوغوری در نسخه‌های خطی ایرانی دوره‌ی ایلخانی چند یادداشت موجود در نسخه‌ی جهانگشای جوینی باشد. دانستن خط اوغوری از فضایل مستوفیان سده‌ی هشتم به شمار می‌آید. کاشانی، مؤلف *تاریخ الجایتو* آورده است که «در سال ۷۰۷ ملک فخرالدین حسن والی ولایت ری [و] ورامین به شهر سلطانیه وفات یافت که به همه‌ی آداب و فضایل و فر

---

۱. باید به پایه‌های پیش‌تر شناخته‌شده‌ی خارج از ایران، پایه‌ای با متن فارسی و اوغوری را افزود؛ پایه‌ی مغولی (یا: یوان) پنج‌زبانه که با پایه‌ی معرفی‌شده توسط کای‌می‌بی متفاوت است (بنگرید به: YOSHIMOTO, Chieko, 2014). این مقاله در این نشانی‌ها قابل دستیابی است:

<https://ci.nii.ac.jp/naid/110009795728>  
[https://www.google.com/search?client=firefox-b-d&sxsr=ACYBGNT1IYZXPP-747FpEr9ZJCM0BCCdug%3A1579088273614&ei=kfkeXrKYJdS78gKt1JfgAQ&q=RitsIILCS\\_25.2pp.201-211yoshimoto.pdf&oq=RitsIILCS\\_25.2pp.201-211yoshimoto.pdf&gs\\_l=psy-ab.3..35i39.19131.19131..19566...0.4..0.236.236.2-1.....0....2j1.gws-wiz.....0i71.zpQMNHdeflo&ved=0ahUKEwjypPicwoXnAhXUnVwKHS3qBRwQ4UDCAo&uact=5](https://www.google.com/search?client=firefox-b-d&sxsr=ACYBGNT1IYZXPP-747FpEr9ZJCM0BCCdug%3A1579088273614&ei=kfkeXrKYJdS78gKt1JfgAQ&q=RitsIILCS_25.2pp.201-211yoshimoto.pdf&oq=RitsIILCS_25.2pp.201-211yoshimoto.pdf&gs_l=psy-ab.3..35i39.19131.19131..19566...0.4..0.236.236.2-1.....0....2j1.gws-wiz.....0i71.zpQMNHdeflo&ved=0ahUKEwjypPicwoXnAhXUnVwKHS3qBRwQ4UDCAo&uact=5)

۲. مثلاً بنگرید به: Radolff, 1928.

و فرهنگ و هنرها و سیاحت و انشای مغولی و مسلمانی و صناب و استیفا و اسباب بزرگی و وزارت آراسته بود و از منها و من ذالک حشو و بارز حسابانات چالاک و مبارز به شش زبان و سه خط مغولی و فارسی و کوفی حاذق و ماهر [...]» (قاشانی، ۱۳۴۸، ۷۵).

در دوره‌ی مغول تمغاهای خان‌های مغول عباراتی اویغوری داشته است (رسولی، ۱۳۹۳، ۸: ۱۸۳). همچنین در کتاب تاریخ مبارک غازانی آمده که آباقا خان «... وقتی غازان خان به سن پنج‌سالگی رسید او را به بارق بخشی ختایی سپرد تا او را تربیت کند و خط مغولی و اویغوری و علوم و آداب ایشان بیاموزد» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸، ۸).<sup>۱</sup> پوربهای جامی (متوفی ۶۹۹ق) در قصیده‌ای که اصطلاحات دیوانی دوره‌ی ایلخانی را در آن التزام کرده، مُدوَر بودن و پیچ‌های متعدد خط اویغوری را به زلف یار تشبیه کرده است: «... قامان<sup>۲</sup> طره‌های تو چون کلک بخشیان / کردند مشق بر رخ تو خط اویغوری» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۴: ۵۷۷۳). کتابت خط اویغوری بنا بر منابع، به دست مغولان و بخشیان انجام می‌گرفته است و واژه‌ی بخشی در نام کاتب بعضی از نسخه‌های معرفی شده در این مقاله هم دیده می‌شود. کاتبانی به نام اویغوری، برای مثال در جُنگ اشعار مصور، نسخه‌ی عکسی دانشگاه، شماره‌ی ۶۸۲۷، (به نقل از: درایتی، ۱۳۹۰، ۱۰: ۹۲۵) و یا با نام بخشی در سده‌ی نهم نیز دیده می‌شوند (از جمله: بخشی بن مصطفی: کاتب نسخه‌ی قانونچه، شماره‌ی ۶۱۳ دانشگاه آن آربر آمریکا، مورخ ۸۸۰ق؛ بخشی بن حاجی محمد تونی کاتب نسخه‌ی شماره‌ی ۲۳۱۲ دانشگاه تهران، مورخ ۸۹۹ تا ۹۵۲ق). برای نگارش متون ترکی در سده‌ی نهم در ایران بیشتر از خط و الفبای فارسی استفاده شده است؛ مانند آثار امیرعلی شیر نوایی و یا مخزن‌الاسرار میرحیدر خوارزمی که یک نمونه‌ی آن به دلیل داشتن کاغذهای چینی در پژوهش سوچک به تفصیل بررسی شده است (Soucek, 1988).

۱. نیز برای بعضی اشارات تاریخی به این خط، بنگرید به: لغت‌نامه‌ی دهخدا، ذیل اویغوری و ایغری.

۲. قامان: ساحران. به گمان مفهوم بیت بیشتر متناسب با شکل خط اویغوری به‌کاررفته در اسناد و فرمان‌هاست.

## ۲. معرفی نسخه‌های کتابت‌شده به خط اویغوری در ایران

بر اساس یافته‌های نگارنده استفاده از این خط در دوره تیموری محدود به چند نسخه است که غالباً برای شاهزادگان و یا شخصیت‌های سیاسی فراهم آمده‌اند و از میان آن نسخه‌ها بعضی مصورند. در این مطالعه خط اویغوری در هشت نسخه‌ی خطی شناسایی شده است که با توجه به تقدم تاریخی، عبارت‌اند از<sup>۱</sup>:

۱) ابیاتی به فارسی، ترکی و مغولی در نسخه‌ی تاریخ جهانگشای جوینی (شماره‌ی Persan 2018، محفوظ در کتابخانه‌ی ملی فرانسه)<sup>۲</sup>

نسخه‌ای است با ۳۱۹ برگ. ۲۴ سال پس از کتابت این نسخه و پس از انجامه‌ی نسخه (مورخ ربیع‌الاول سال ۷۰۰ و بی ذکر نام کاتب)، محمد ابن عمر بن حسن ابن محمود ابن عبدالعزیز السمرقندی المعروف [ب] محمد بخشی، در ماردین در سال ۷۲۴ یادداشت‌هایی از جمله یک بیت عربی، چهار بیت فارسی (از خسرو و شیرین نظامی) و نیز دو بیت به زبان ترکی<sup>۳</sup> و سه سطر به زبان مغولی به نسخه افزوده است که دو مورد اخیر به خط اویغوری نوشته شده‌اند. خط فارسی او کمی مایل به رقاع دارد و خط اویغوری نیز که با همان مُرکّب نوشته شده بر کرسی تقریباً درستی نشسته است. با توجه به اندازه‌ی ضخامت قلم، در دستخط تحریری کاتب این یادداشت‌ها (تصاویر شماره‌ی ۱ و ۲) تفاوت‌هایی جزئی از نظر شکل حروف در نسبت با نمونه‌های خط اویغوری سده‌ی نهم دیده می‌شود و ظرافت نگارش آنها در اینجا دیده نمی‌شود. محمد ابن عمر در پایان نسخه هم ابیاتی به زبان عربی نوشته است. بر اساس نوشته‌ی پشت نسخه، کتاب پیش از این یادداشت‌ها در ۷۱۸ق در دست علی ابن عمر ابن حسن المنجم بوده و پس از آن به محمد ابن عمر البخشی رسیده است. در صفحه‌ی اول نسخه، یادداشت خرید نسخه (احتمالاً از سده‌ی ۸ق) نیز دیده می‌شود.

۱. نسخه‌های بی‌تاریخ در پایان مقاله معرفی شده‌اند.

2. <https://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b8427195m/f96.item.r=turc%20190.zoom> (Accessed: Sep 2019).

۳. دو بیت ترکی آن شعری است با ردیف دلبریم (فارسی: دلبرم).



(۲) نسخه‌ی مخزن/الاسرار ترجمه‌ی میرحیدر (شماره‌ی Ms. or.oct. 358، کتابخانه‌ی ملی آلمان، سده‌ی نهم)<sup>۱</sup>

نسخه‌ای است با ۵۵ برگ که آن را لسترنج<sup>۲</sup> مؤلف کتاب *جغرافیای سرزمین‌های خلافت شرقی*، از تهران خریداری کرده است (De Courteille, 1882, XXII). به استناد آخرین بیت برگه ۱۴، متن اشعار برای اسکندر سلطان تیموری تهیه شده است. کتاب بنا بر یادداشت‌ها و عرض دیدهای متعدد پشت نسخه در سده‌های یازده و دوازده در دولتخانه‌ی مبارکه (احتمالاً ایران) بوده است. دستخط کسی به نام یونس افندی در پشت نسخه می‌گوید این نسخه را در سال ۱۱۶۹ق از خزانه‌ی دارالسلطنه‌ی اصفهان بیرون آورده است. با توجه به مشابهت خطوط، می‌توان احتمال داد که او همان کسی باشد که پنج سطر نخستین نسخه (تصویر شماره‌ی ۳) و سطر اول صفحه‌ی دوم را به الفبای عربی به همان زبان ترکی بازنویسی کرده است. متن مهر آخر این نسخه (عبده الراجی فتحعلی، ۱۲۴۲ق) نشان می‌دهد که نسخه تا اوایل قاجار در اختیار شخصی به نام فتحعلی بوده است. انجامه‌ی این نسخه نیز (ورق ۵۵پ، تصویر شماره‌ی ۴) از کاتب نسخه «علیشا[ه] بخشی» است. دستخط کاتب، وی را مایل به تزئین و زیبائینویسی (ترکیب‌های متنوع و متقارن و ارسال قلم) می‌شناساند؛ خطی ظریف که روی کرسی درستی نشسته و فاصله‌ی چشم‌های حروف بسیار کم گرفته شده است؛ از این رو ارتفاع کلمات بسیار کوتاه شده است.

به گفته‌ی گروبر این نسخه ترجمه‌ی میرحیدر از *مخزن/الاسرار* نظامی است (2005, 184). تزئینات این نسخه که تماماً به خط اوغوری کتابت شده است، چندان فراوان و یا نفیس نیست و دارای سرلوحی به شیوه‌ی شیراز سده‌ی نهم با کتیبه‌ای کوفی است که درست خوانده نمی‌شود (سرلوح تصویر شماره‌ی ۳). می‌توان تسامحاً این عبارت را «بسمه تیمنا» فرض کرد. به هر حال با وجود شباهت بعضی از حروف اوغوری با حروف عربی، اوغوری بودن این کتیبه نیز معنی‌دار و پذیرفته نیست. اوراق نسخه مشوش

۱. نسخه در وبسایت کتابخانه مورخ ۱۴۴۰ دانسته شده است، ولی نگارنده تاریخ مذکور را نیافت.

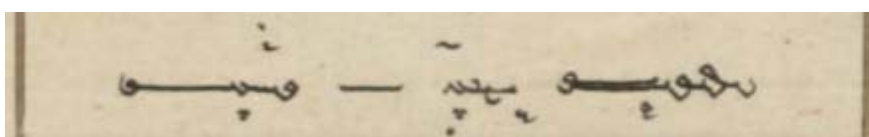
۲. [https://digital.staatsbibliothek-berlin.de/werkansicht?PPN=PPN641060203&PHYSID=PHYS\\_0006](https://digital.staatsbibliothek-berlin.de/werkansicht?PPN=PPN641060203&PHYSID=PHYS_0006) (Accessed: 10 / 12 / 2019).

۳. Le Strange, Guy

است و بنا بر یادداشت‌های انتهای نسخه (ص ۱۱۷) پاوه دوکورتی ترتیب صحیح اوراق را ارائه کرده است.



تصویر شماره‌ی ۳: نسخه‌ی مخزن [الاسرار] میرحیدر، سده‌ی نهم، کتابخانه‌ی ملی آلمان، شماره‌ی Ms. or. oct. 358، ورق ۱ر

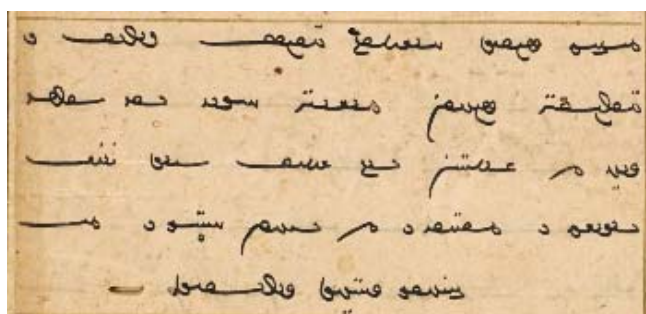


تصویر شماره‌ی ۴: نسخه‌ی مخزن [الاسرار] میرحیدر، سده‌ی نهم، کتابخانه‌ی ملی آلمان، شماره‌ی Ms. or. oct. 358، برگ ۵۵پشت، بازنویسی انجامه: «کتبه‌ی عیش آ [علیشاه] بخشی»

خوش‌نویس این نسخه تعداد سطور در صفحه را با ایجاد فاصله میان آنها افزایش داده و خط اوغوری که ارتفاع آن از بالا و پایین کرسی بسیار کم است، شبیه خط غبار و ریز به نظر می‌رسد. استفاده از کشیده‌هایی که در حروف اوغوری به کار می‌رود (مثل کاف و یا باء) به تُنگ‌بودن عرضی خط منجر شده است. این ویژگی در خط نستعلیق این دوره که

آغاز رشد نستعلیق است، نیز دیده می‌شود. در این زمان ترکیب حروف در خط نستعلیق هنوز قوام نیافته بود و برای تنظیم کلمات فاصله حروف زیاد گرفته می‌شد.

۳) جنگ یزد (شماره‌ی Or 8193، کتابخانه‌ی بریتانیا، رجب و شعبان سال ۸۳۵ق)<sup>۱</sup>



تصویر شماره‌ی ۵: انجامه‌ی سراج‌القلوب، نسخه‌ی جنگ یزد، نسخه‌ی شماره‌ی Or 8193، برگ

۱۲۹، سطرهای پنجم تا نهم

نسخه‌ای است با ۱۸۲ برگ که کتابت متن اوغوری آن را منصور بخشی<sup>۲</sup> در شهر یزد انجام داده است. سال‌ها پیش کلاوسن که متخصص متون ترکی شرقی بود، مقاله‌ای مفصل در معرفی این نسخه نوشت (1928)، ولی آن موضوع هنوز نیازمند پژوهش بیشتر است. بخش‌های مختلف نسخه شامل سراج‌القلوب، کتاب مسئله، جنگ اشعار و محبت‌نامه است. در بخش فارسی نسخه دیوان خواجه کرمانی و دیوان امیری نوشته شده است. انجامه‌ی متن دیوان کمال در برگ ۱۵۵ (کتابت عبدالله بن همایون شاه، مورخ ۸۳۹ در مقام قره‌باغ) دیده می‌شود. یعنی پس از چهار سال، نسخه از یزد به آذربایجان رسیده است. در نوشته‌های اوغوری این نسخه، سه انجامه‌ی تاریخ‌دار دیده می‌شود که هر سه از یک کاتب و عبارت‌اند از: برگ ۱۲۹ پشت، در آخر سراج‌القلوب؛ برگ ۱۳۵ در آخر کتاب مسئله<sup>۳</sup> در

1. [http://www.bl.uk/manuscripts/FullDisplay.aspx?ref=or\\_8193](http://www.bl.uk/manuscripts/FullDisplay.aspx?ref=or_8193) (Accessed: 10 / 12 / 2019).

۲. نسخه‌ای از دیوان قاسم‌انوار (شماره‌ی Ms. or. Oct, 2150، کتابخانه‌ی دولتی برلین) هم به خط کسی به نام منصور بخشی در سال ۸۰۰ق نوشته شده است که احتمالاً دو نفرند. (فی ید تراب اقدام الفقرا درویش منصور بن حسین طاوسی غلام شاه ید باباولی نورالله مرقدہ [کذا فی الاصل].

۳. کلاوسن این کلمه را «مثاله» به معنی «برای مثال» خوانده است (p.113). کاتب در این انجامه اشاره کرده است که در هم‌صحبتی شخصی به نام میرجلال‌الدین کتابت کرده است.

چهارم شعبان همان سال؛ و انجامه‌ی آخر در برگ ۱۷۸ رو، در پایان محبت‌نامه در ششم رجب همین سال ۸۵۳ق. این تاریخ شش هفته پیش از بخش اول نسخه است (Clouston, 1928, 113). کلاوسن به مشوش بودن اوراق نسخه (مثلاً برگه‌ی اول نسخه، ورق ۱۷۴ است) نیز اشاره کرده است. به گفته‌ی او نسخه چندین بار باز شده و صحافی شده (Ibid, 100)؛ از این رو ترکی متن (گاهی هم در حاشیه) و فارسی حاشیه (گاهی هم در متن)، ترتیب صفحات یکسان ندارند. کاتب در برگ ۱۵۹ رو، هم بدون اشاره به تاریخ نام خود را نوشته است.

انجامه‌ی بخش سراج‌القلوب نسخه‌ی جُنگ یزد (۱۲۹پ) سطرهای پنجم تا نهم (تصویر شماره‌ی ۵) این‌گونه است:

تمام بلدی سراج‌القلوب کیتابی / قوتلوغ [قتلغ] بولسون. تیرخیخ [تاریخ] سکیز یوز  
 اوتوز / بیش دا چیچقان بیل رجب آیی نینک / بیکیرمی دوقوز دا یزد شهری دا /  
 منصور بخشی بیتید دی. [ترجمه: تمام شد کتاب سراج‌القلوب. مبارک باشد. در تاریخ  
 هشتصدوسی و پنج. ۲۹ ماه رجب سال موش در شهر یزد. منصور بخشی نوشت].

در یادداشت پشت نسخه که به خط بارتولد<sup>۱</sup> است، «فقیر» به اشتباه «باقر» (Bakir) خوانده شده است و در منابع بعدی این اشتباه تکرار شده است. کتاب در متن و حاشیه طرح‌های هندسی متعدد دارد و نوشتن روی خطوط طراحی نشان می‌دهد این نسخه پیش از کتابت طراحی شده بوده است و متن ترکی و سپس فارسی به آن افزوده شده‌اند (مثلاً نگاه کنید به سرلوح برگ ۱۷۳پ)؛ از این رو در صفحات متعدد، نوشته‌ها داخل طراحی‌ها توزیع شده‌اند (مثلاً برگه‌ی ۱۶۳پ، با اشکالی با طرح فخر و مدین). تکرار نام امام علی (ع) در میانه‌ی این صفحه در نمونه‌های دیگر مثل جُنگ اسکندر سلطان<sup>۲</sup> هم دیده می‌شود. در خط این کاتب نرمی و روانی بیشتری دیده می‌شود. کاتب به غیر از سرعنوان‌ها بعضی متن‌های طولانی را که حدیث یا متن مذهبی دیگر بوده است، زرنویسی کرده است؛ مانند دیگر کتابت‌های او یغوری، فاصله‌ی بین کلمات زیاد است. این فاصله‌ی حروف گاهی با

1. Bartold

۲. جُنگ اسکندر سلطان (Add27261) کتابخانه‌ی بریتانیا یک بخش افزوده‌ی متأخرتر در باب فقه شیعه هم دارد.

سیر تاریخی کاربرد خط ایفوری در نسخه‌های خطی ایرانی | ۱۱۹

یک الف (خوابیده بر کرسی) و یا حرف مفرد دیگر تشدید شده است. منظر کلی خط با این فاصله‌گذاری و ارتفاع کم حروف، بسیار باریک دیده می‌شود.

(۴) نسخه‌ی مجموعه‌ی کتابخانه‌ی ملی فرانسه (شماره‌ی turc 190، کتابخانه‌ی ملی فرانسه، مورخ ۸۴۱ق)<sup>۱</sup>

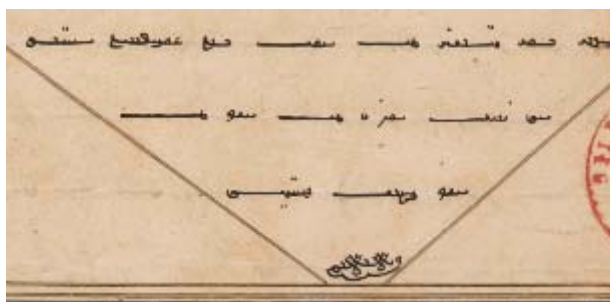


تصویر شماره‌ی ۶: نسخه‌ی شماره‌ی turc 190، کتابخانه‌ی ملی فرانسه، مورخ ۸۴۱ق، برگ ۱پ، کتیبه‌ی ابتدای بخش *معراجنامه*: رسول علیه‌السلام معراج قا بارقانی [= رفتن رسول علیه‌السلام به معراج]



تصویر شماره‌ی ۷: مجموعه‌ی شماره‌ی turc 190، کتابخانه‌ی ملی فرانسه، مورخ ۸۴۱ق، برگ ۶۹پ، کتیبه‌ی شروع *تذکره‌الاولیا*: بو تذکره‌ی اولیا کتابی دور [= این کتاب *تذکره‌الاولیا* است]

1. <https://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b8427195m/f534.planchecontact.r=turc%20190> (Accessed: 10 / 12 / 2019).



تصویر شماره‌ی ۸: انجامه‌ی تذکره‌الاولیا، شماره‌ی 190 ture، برگ ۲۴۶ پ

نسخه‌ای است با ۲۶۵ برگ و شامل دو بخش *معراجنامه* و *تذکره‌الاولیا*. تاکنون بیشتر مطالعات بر بخش اول این مجموعه، یعنی *معراجنامه* (ff: 1-69) که مصور هم هست، صورت گرفته است؛ لذا این مجموعه به همین نام مشهور شده است. در صورتی که بخش دوم نسخه (ff: 69-265) ترجمه‌ی ترکی جغتایی *تذکره‌الاولیا*ی عطار است و بیشتر اوراق نسخه را نیز در بر گرفته است.<sup>۱</sup> مؤلف در بخش *تذکره‌الاولیا* می‌گوید که کتاب را به درخواست یاران خود مختصر کرده و به ترکی درآورده است (۶۹ پ و ۷۰ ر). پیاوه دو کورتی، بخش اول این نسخه یعنی متن *معراجنامه* را به الفبای فارسی برگرداند و همراه با ترجمه‌ی فرانسوی به چاپ رسانید (De Courteille, 1882). او همچنین حدود هفت سال پس از آن *تذکره‌الاولیا* را نیز در دو جلد ترجمه و منتشر کرد.<sup>۲</sup> این کتاب به شکلی نفیس منتشر شده و جلد اول، نسخه‌ی عکسی *تذکره‌الاولیا* است و جلد دوم ترجمه‌ی آن.<sup>۳</sup> دو تذهیب که در آنها عبارت کتیبه‌ی ابتدایی متن نسخه‌ی اصلی به خط اوغوری در آن نوشته شده (بو کتاب تذکری‌الاولیا دور)، با شیوه‌ای متفاوت با تذهیب اصل نسخه و احتمالاً از ملحقات زمان چاپ، در نسخه‌ی چاپی دیده می‌شود. به غیر از دو صفحه جدول حاوی نام عرفای مذکور در *تذکره‌الاولیا*ی عطار به خط اوغوری، دو کتیبه‌ی تذهیب‌شده هم در ابتدای هر دو بخش کتاب طراحی و نوشته شده است (تصاویر شماره‌ی ۶ و ۷). در این

۱. *معراجنامه* ۶۸ برگ است و *تذکره‌الاولیا* ۱۹۵ برگ.

2. *Tezkereh-i-Evliâ. Le Mémorial des Saints*, translated from the Uighur manuscript of the Bibliothèque nationale, Paris, 1889-1890 (2 vol.).

۳. نگارنده موفق به یافتن جلد دوم این کتاب نشد.

نسخه نام‌های مقدس به زر و بعضی نیز به شنگرف نوشته شده است و عبارات عربی در حاشیه‌ی صفحات خارج از متن نوشته شده است. برای کلمات و سطرها فاصله‌ی قابل توجهی در نظر گرفته شده است که با توجه به عرض بسیار کم نوشته، زیاد به نظر می‌رسد و احتمالاً برای وضوح در خواندن کلمات بوده است. کاتب اطلاعات کتابت را در انجام اول، یعنی انجامه‌ی *معراجنامه* نیاورده است. انجامه‌ی *پایان تذکره‌الاولیا* (تصویر شماره‌ی ۸) می‌گوید که مالک بخشی هروری، کتابت این نسخه را در هرات در دهم جمادی‌الآخر سال ۸۴۱ق به پایان برده است:

سکیز یوز قیرخ دا ایت<sup>۱</sup> ایل جمادی‌الآخر آی نینک اونی دا هرو دا هرو مالک بخشی بی بیتدیم.

قرائت نگارنده پس از پاوه دو کورتی (1882, xv) با کمی تغییر، کلمه‌ی آخر به معنی «نوشتم» برابری ترکی، برای کلمه‌ی «کتابه» در انجامه‌هاست.

۵) مجموعه‌ی *مثنوی‌های عطار* (شماره‌ی Or.11325، کتابخانه‌ی بریتانیا) (*منطق‌الطیر*، *جوهرالذات* در حاشیه‌ی صفحات ۱ تا ۷۰، و *اسرارنامه* در حاشیه‌ی صفحه‌ی ۷۰ تا پایان نسخه)

نسخه‌ای است مصور، با ۱۳۷ برگ و چهار تصویر متوسط از سده‌ی نهم. کامادا این نسخه را کلیات عطار و از دوره‌ی عثمانی معرفی کرده و تصویر دوم را هم شیخ صنعان دانسته است (2010, 161) اما متن ابیات کنار تصویر، همان روایت سلطان محمود و پیر خارکش است که تیتلی هم در فهرست خود به آن اشاره کرده است (Titley, 1977, 34). نگاره‌های نسخه در صفحات «۳۵ر»، «۴۹ر»، «۱۲۰پ» و «۱۲۸ر» هستند.

این نسخه پیش‌تر متعلق به انجمن آسیایی لندن دانسته و اعلام شده بود صفحه‌ی عنوان خط اوغوری دارد (دانش‌پژوه و افشار، ۱۳۴۴، ۶۸۶).<sup>۲</sup> اما گویا فقط انجام نسخه به خط

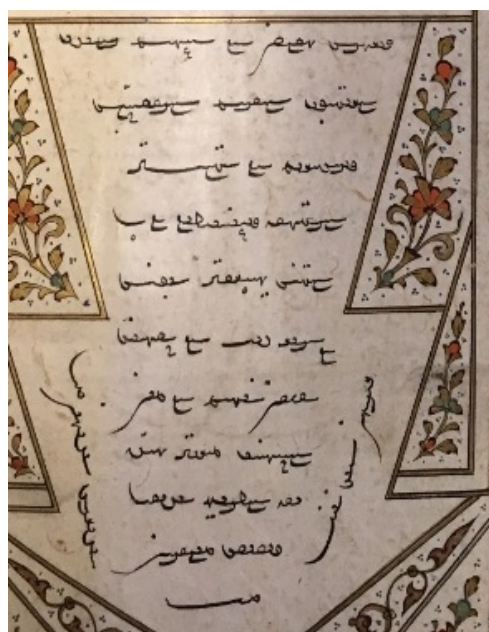
---

۱. دو کورتی این واژه را «یونت» خوانده که به معنی اسب است. اما نگارنده گمان دارد «ایت» (سگ) قرائتی بهتر باشد.

۲. در تماس با کتابدار این مؤسسه مشخص شد چنین نسخه‌ای در انجمن آسیایی وجود ندارد و در فهرست آنجا هم ثبت نشده است. شماره‌ی نسخه هم شبیه شماره‌ی ثبت نسخه‌های B.L. است. سرانجام نسخه در کتابخانه‌ی بریتانیا شناسایی شد.

اویغوری نوشته شده است.<sup>۱</sup> این نسخه هم از آثار عطار است که انجامه‌ی آن (تصویر شماره‌ی ۹) به خط اویغوری نوشته شده است:

برسم سلطان الاعظم مالک الرقاب الامم المتحلی بالمکارم الاخلاق المخصوص بعنايه  
الله الغنی شاهرخ ابن الامیر کیا الحسینی اوچون حسام‌الدین الحسینی تاریخ سکیز یوز  
آلتمیش ایکی [۸۶۲] دا بیتیتی<sup>۲</sup> دیلومن دا.



تصویر شماره‌ی ۹: جزئیات نوشته‌ی اویغوری انجامه‌ی نسخه‌ی عطار کتابخانه‌ی بریتانیا،

شماره‌ی Or.11325

[حاشیه‌ی راست] رمضان آبی نینک [حاشیه‌ی چپ] ایکی یرمی ایکی سیندا.

۱. با تشکر از اورسولا سیمز - ویلیامز که چند تصویر از این نسخه را برای نگارنده فرستاد. به گفته‌ی او خط اویغوری تنها در پایان نسخه هست.

۲. این کلمه در قیاس با «المتحلی» که حرف «ت» شبیه حرف «او» نوشته شده خوانده شد که معنای «نوشت» می‌دهد.

به استناد انجامه، حسام‌الدین حسینی نسخه را برای خزانه‌ی شاه‌رخ ابن‌امیرکیا حسینی در بیست‌ودوم رمضان سال ۸۶۲ق در دیلمان کتابت کرده است. این نسخه به خط نستعلیق نوشته شده است و فقط انجامه‌ی نسخه به خط اوغوری و زبان ترکی نوشته شده است. دانگ قلم کتابت متن (و حتی حاشیه که کمی از متن ریزتر است) به فارسی و نستعلیق است و از دانگ مورد استفاده برای خط اوغوری بزرگ‌تر است. نظم شکل جدول با نوع سطر بندی انجام نشان می‌دهد جدول‌کشی و تزیینات انجامه پس از کتابت اوغوری صورت گرفته است. اما تصور نگارنده آن است که نوع قلمرانی و مُرکّب دو خط مذکور می‌تواند مربوط به دو کاتب باشد که البته اثبات این نظر نیازمند رؤیت دقیق اصل نسخه است. تزیینات و خصوصاً مثلث‌سازی‌های نسخه‌های جنگ عبدالله سلطان و نسخه‌ی عطار خاندان کیا بسیار به هم شبیه است و شیوه‌ای معمول در نسخه‌های سبک شیراز است. تاریخ‌خانی که بیشتر به رویدادهای سده‌ی دهم پرداخته است، از این شاه‌رخ یادی نکرده است (لاهیجی، ۱۳۵۲). مطالعه‌ی دقیق‌تر این نسخه برای شناخت کارگاه‌های هنری شمال ایران بسیار اهمیت دارد و نیازمند پژوهش بیشتر است. از جمله نسخه‌ی ممتاز دیگری (تفسیر طبری، کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی، شماره‌ی ۱۱۲۱۳) از شمال ایران می‌شناسیم که در سال ۸۷۱ق برای خزانه‌ی ابوالحسن کارکیا بن شمس‌الدین محمد کارکیا فراهم آمده است.

۶) *نهیج‌الفرادیس* (نسخه‌ی اوراق شده در مجموعه‌ی دیوید<sup>۱</sup> و حراجی کریستیز<sup>۲</sup>، سده‌ی نهم قمری)

برگه‌هایی از یک نسخه‌ی بسیار مشابه با نسخه‌ی *معراج‌نامه‌ی فرانسه* (شماره‌ی چهار در مقاله‌ی حاضر) به نام *نهیج‌الفرادیس* در حراجی کریستیز<sup>۳</sup> معرفی شده که برای سلطان

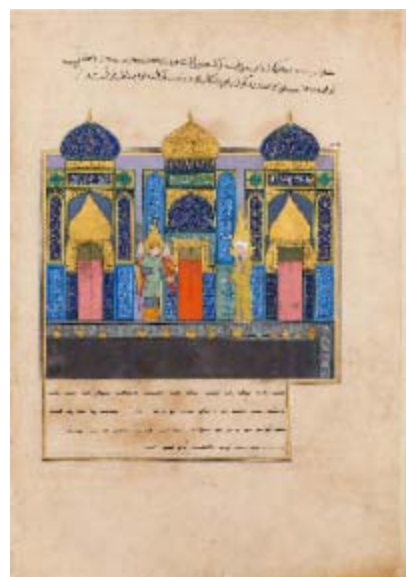
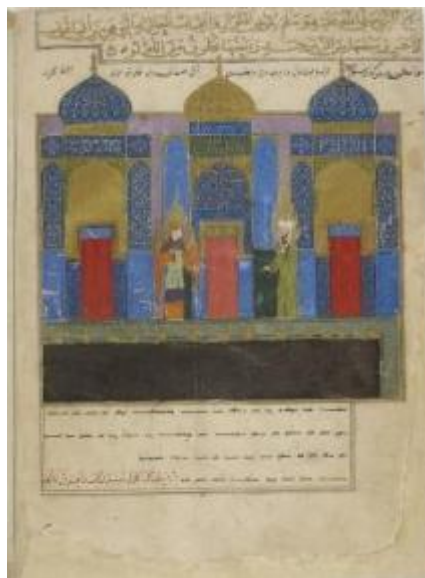
---

1. <https://www.davidmus.dk/en/collections/islamic/materials/miniatures/art/15-2012>  
2. Christie's auction. 1: <https://www.christies.com/lotfinder/books-manuscripts/an-illustrated-double-sided-bifolium-from-the-nahj-6229666-details.aspx?from=searchresults&intObjectID=6229666&sid=0424baa2-47f1-49b8-b32f-dbb6ef532c42> (Accessed: Sep, 2019).  
3. Sale 17178-Art of the Islamic and Indian Worlds Including Oriental Rugs and Carpets London 24 October 2019

ابوسعید کورگان، نوهی میرانشاه تیموری، تهیه شده است (Sims, 2014, 93). این نسخه حدود سی سال پس از نسخه‌ی مشهور آن در هرات تولید شده و احتمالاً بیش از ۶۰ تصویر داشته است (Gruber, 2019, 1). برخلاف نسخه‌ی فرانسه در یکی از نگاره‌ها (شماره‌ی Inv. no. 14/2012 مجموعه‌ی دیوید) رقم نقاش (عمل العبد سلطانه‌ی السلطانی) دیده می‌شود (برای تصویر بنگرید به: Gruber, 2005, 422). از این نسخه‌ی اوراق‌شده توسط دلان، دو برگ، که یکی از آنها دوبرگی است و چهار صفحه دارد با سه تصویر، و دیگری یک برگ که دوطرف آن مصور است، در این حراجی به فروش رفته است. پیش‌تر نیز مجموعه‌ی دیوید در دانمارک، ۶ برگ از آن را در سال ۲۰۱۲ خرید که بعضی از نگاره‌های آن نشان‌دهنده‌ی مشابهت موضوع نقاشی‌ها با نمونه‌ی معراجنامه‌ی فرانسه است. نقاشی‌های دو نسخه (تصاویر شماره‌ی ۱۰ و ۱۱) در جزئیات هم مشابه‌اند؛ هرچند که نسخه‌ی دیوید از نظر رنگ، تازه و درخشان به نظر می‌رسد. آخرین کلمه‌ی سطر یکی به آخر سوساماغای [به معنی: تشنه نمی‌شود] به دو شکل در دو نسخه کتابت شده است و در نسخه‌ی دوم (آخرین کلمه‌ی سطر دوم) به شکل «سوس / آ / ماغای» کتابت شده است. در سطر آخر هر دو نسخه آمده است: تانگری تعالی کلام ایچندا خیر ویرور کیم<sup>۱</sup>. در اینجا قرار بوده است نص قرآن، یعنی آیات سوره‌ی کوثر آورده شود که در نسخه‌ی مجموعه‌ی دیوید نوشته نشده است. به نظر می‌رسد کتابت نسخه‌ی دوم دستخط کاتب دیگری باشد که نسبت به کاتب نسخه‌ی فرانسه با ظرافت بیشتری کتابت کرده باشد. اما در شیوه‌ی خوش‌نویسی یعنی نوع تقسیم حروف و کلمات در سطر و نیز تنظیم سطور در صفحه، مشابه نسخه‌ی معراجنامه است.

---

۱. معنی: خدای تعالی در آن خیر داده است که... .



تصاویر شماره‌ی ۱۰ و ۱۱: نسخه‌ی *معراجنامه‌ی فرانس*. پیامبر اکرم و حضرت علی (صلوات الله علیهما) و حوض کوثر سمت راست نسخه‌ی مجموعه‌ی دیوید، شماره‌ی *Inv. no. 15/2012* و سمت چپ، همین نقاشی از نسخه‌ی *معراجنامه‌ی فرانسه*، شماره‌ی *Turc 190*، ورق ۵۴پ

۷) جنگ عبدالله سلطان (شماره‌ی ۲۱۸۱، کاخ گلستان، سده‌ی نهم قمری)  
این نسخه به شکل بیاضی صحافی شده است و آتابای احتمال داده کاتب این نسخه جعفر بایسنغری باشد (آتابای، ۱۳۵۵، ۲: ۱۰۸۸-۱۰۸۹). ظاهر نسخه آن را متعلق به میانه‌ی سده‌ی نهم می‌شناساند. این نسخه، نسخه‌ای مصور با ۳۲ نقاشی (بعضی رنگ‌پریده) و بسیار ارزشمند است. در این نوشتار سه صفحه‌ی این نسخه که به خط اوغوری نوشته شده‌اند، بررسی می‌شوند. موضوع نسخه مانند دیگر جنگ‌های دوره‌ی تیموری گزینشی زیبایی‌شناختی از آثار شاعران گوناگون است. این نسخه شاید تنها نمونه‌ای از نسخه‌هایی است که در دوره‌ی کوتاه‌مدت حکومت سلطان جوان تیموری، عبدالله سلطان، برای وی تهیه شده است. او فرزند ابراهیم سلطان بود و در سال ۸۳۶ق به دنیا آمد (خواندمیر، ۱۳۳۳، ۴: ۲۷-۲۸؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹، ۴۷۸) و در دوسالگی در زمانی که «در آغاز اهتزاز بهار زندگانی بود» بر فارس حکومت یافت و محب‌الدین ابوالخیر صاحب اختیار

وی در شیراز شد (واله اصفهانی، ۴۸۰ و ۵۹۲). از همان ابتدا به میرزا عبدالله شیرازی ملقب شد (فسایی، ۱۳۸۲، ۱: ۳۳۸). پس از آن حاکم سمرقند شد و سرانجام در جنگ با ابوسعید ابوالخیرخان در سال ۸۵۵ق کشته شد. در حدود سال ۸۳۸ق زمانی که تشیع در حال گسترش در این مناطق بود، واسط و شهرهای جنوب عراق هم به دست گماشتگان عبدالله سلطان بود (کسروی، ۱۳۷۸، ۳۷). کاشفی *روضه‌الشهدا* را به نام عبدالله سلطان مصدر کرد (فسایی، ۱۳۸۲، ۱: ۳۴۶) که معروف‌ترین نام در میان کتب مقاتل و روایت‌های مربوط به کربلا و عاشورا است.<sup>۱</sup> در صفحه‌ی ۱۱۵ نسخه، جایی که نام عبدالله سلطان در متن آمده است، شعری از حافظ با مطلع «ای قبا‌ی پادشاهی راست بر بالای تو» نوشته شده است و به این استناد، تاریخ کتابت نسخه بین سال‌های ۸۳۸ تا ۸۵۵ق خواهد بود. شاید هم تا زمان قتل عبداللطیف، پسر الغ بیگ، در سال ۸۵۴ق که عبدالله سلطان به حکومت سمرقند منصوب شد (قزوینی، ۱۳۸۶، ۲۲۸) بتوان تاریخ کتابت نسخه را تدقیق کرد. برای حاکم سمرقند (بعد از عبدالله سلطان) یعنی سلطان ابوسعید، نیز نسخه‌ای به خط اویغوری یعنی *نهج‌الفرادیس* (شماره‌ی ۶ این مقاله) تهیه شد، اما تزیینات و حتی صفحه‌آرایی این جنگ با شیوه‌ی نسخه‌های یزد و شیراز قابل قیاس‌اند. در این نسخه سه صفحه تماماً به خط اویغوری نوشته شده است. متن اشعار میرحیدر در حاشیه‌ی این بیاض ارزشمند مورب‌نویسی شده است و داخل متن مستطیل‌شکل آن عباراتی با قلمی متفاوت (شبهه ثلث یا کوفی) و جلی به خط اویغوری کتابت شده است. در نوشته‌ی بالای صفحه‌ی ۷۸ اشعار به میرحیدر منسوب شده است (تصاویر شماره‌های ۱۲ و ۱۳). میرحیدر ترکی‌گوی، شاعر دربار میرزا عمر شیخ فرزند تیمور و مداح اسکندر سلطان بوده و دو مثنوی *مخزن‌الاسرار* و *گل و نوروز* وی به نام این شاهزاده‌ی تیموری سروده شده‌اند (صفا، ۱۳۵۵، ۴: ۲۰۱؛ فخری‌هروی، ۱۹۶۸، ۳۲).

در متن شعر مولا حیدر نیز نام اسکندر سلطان دیده می‌شود: *بوروک* [؟] نویان آدیز خاقان اولوغ سولطان شاه اسکندر / ارور عدل و سخا و دین و دانش ایجرا جدی دن). از طرفی در ابیات دیگری که وزن آن هم متفاوت با ابیات پیشین است، نام بعضی از امامان

۱. همان‌طور که می‌بینیم گرایش‌های شیعی در نسخه‌های این شاهزادگان دیده می‌شود.

شیعه (امام حسن، امام حسین، امام زین‌العابدین، امام باقر، امام صادق و امام کاظم) دیده می‌شود. کتابت اوغوری این متن به دو شیوه که شبیه نسخ و ثلث‌اند انجام شده است. اوراق نسخه متن و حاشیه شده است و در متن صفحات مختلف اندکی اختلاف رنگ زمینه دیده می‌شود. به نظر می‌رسد اوراق نسخه مشوش است؛ به صورتی که میان اشعار ترکی دو صفحه (صفحات ۷۵ و ۷۶ نسخه) فاصله افتاده است. ابتدای اشعار ترکی که با نام میرحیدر آغاز می‌شود نیز در صفحه‌ی ۷۷ نسخه واقع شده است (تصویر شماره‌ی ۱۳). شماره‌ی صفحات نوشته‌شده در متن این چند صفحه (مانند ۳۰۶ و ۳۰۸) نشان می‌دهد که تعدادی از اوراق به نسخه‌ای پُر حجم‌تر (مانند نسخه‌ی جُنْگ اسکندر سلطان به شماره‌ی Add 27261 کتابخانه‌ی بریتانیا) تعلق داشته است و یا بخش نوشته‌ی اوغوری، از نسخه‌ای دیگر به نسخه‌ی حاضر منتقل شده است. یادداشتی در پشت نسخه‌ی مورخ ۱۳۲۹ق تعداد صفحات نسخه را ۱۸۵ اعلام کرده، در حالی که بر صفحه‌ی اشعار خواجه عماد در این نسخه، شماره‌ی صفحه ۱۸۸ نوشته شده است. در هر صفحه ابیات به شکل مورب در هر طرف نوشته شده است که جهت خواندن آنها برعکس هم است. این در حالی است که نوشته‌ی مرکزی به سمت راست خوانده می‌شود. متن اشعار با این بیت آغاز می‌شود: ایلور [\*] نی بیر دیلبری شوخی شنگی سیمین بر. اشعار این سه صفحه اوزان مختلف دارند اما غیر از نام میرحیدر نام دیگری در این صفحات دیده نمی‌شود.



تصویر شماره‌ی ۱۲: جُنْگ عبدالله سلطان، سده نهم، کاخ گلستان، شماره‌ی ۲۱۸۱، صفحه‌ی ۷۳، بالای صفحه: مولا حیدر ایدور مسلم دور سنک کا اقبال / او [؟] کام و دین و دولت دا [مولا حیدر: ترا اقبال و کام و دین و دولت مسلم است]

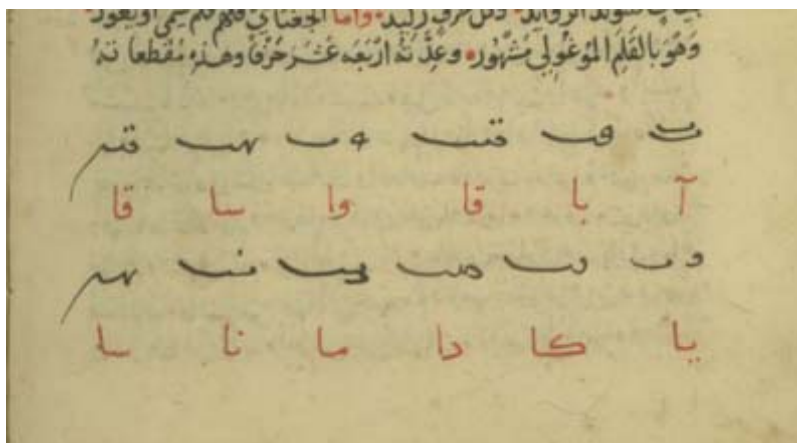


تصویر شماره ۱۳: جزئیات تصویر شماره ۱۲، میر حیدر ایدور

کاتب این نسخه در بعضی موارد با ایجاد گره در حروفی مانند ت/ط/د (که هر سه یکسان نوشته می‌شوند) و یا قرینه‌نویسی در مسلم و یا بو (به معنی: این) اندک تزیینی به حروف داده است و این موارد خط کاتب را از دیگر نسخه‌ها جدا می‌کند (تصاویر شماره‌های ۸ و ۱۹).

۸) بخشی از عجایب‌المقدور (شماره ۱۵۰۹، کتابخانه‌ی مجلس، سده‌ی هشتم یا نهم

قمری)



تصویر شماره ۱۴: عجایب‌المقدور فی نوائب تیمور، ابن عربشاه، سده‌ی هشتم یا نهم، کتابخانه‌ی

مجلس، شماره ۱۵۰۹، صفحه ۲۵۷

این نسخه از *عجایب‌المقدور فی نوائب تیمور* تألیف ابوالعباس ابومحمد احمد بن محمد بن ابراهیم ابن عربشاه دمشقی عجمی حنفی (؟-۸۵۴ق) از سده‌ی دهم و یازدهم معرفی شده است (دانش‌پژوه و علمی‌انواری، ۱۳۵۹، ۳۰۵).<sup>۱</sup> اما بنا بر شیوه‌ی خط نسخ آن و علایم موجود در متن می‌توان آن را به اواخر سده‌ی هشتم منتسب کرد. مگر آنکه در سرزمین‌های دیگر چون شام و عراق کتابت شده باشد. در این نسخه در بخش پایانی کتاب که مؤلف درباره‌ی ویژگی‌های اقوام خطایی و جغتایی سخن می‌گوید، از الفبای آنها نیز یاد کرده است. در این نسخه کاتب نمونه‌هایی از الفبای اوغوری را به همراه بازنویسی عربی آنها به دو شکل منفصل و متصل یعنی مفردات و ترکیبات آورده است (تصویر شماره‌ی ۱۴). به هر روی پس از سده‌ی نهم شاهی برای خط اوغوری در نسخه‌های ایرانی دیده نشده است؛ از این رو این نسخه را نیز در شمار نسخه‌های تهیه‌شده در ایران قرار دادیم. شیوه‌ی نگارش خط اوغوری این نسخه (مثلاً در توکادی در آخرین سطر اوغوری نسخه) بیشتر شبیه کتابت اسناد و فرمان‌های اوغوری است (مثلاً مقایسه کنید با: Pelliot, 1963). ابن عربشاه در این کتاب بحث مختصری درباره‌ی خط اوغوری دارد. او خط خطاییان را دلبرجین و خط جغتاییان را اوغور می‌داند که ۱۴ حرف دارد. در منابع برخی نسخه‌های دیگر هم به خط اوغوری معرفی شده‌اند اما نگارنده موفق به یافتن آنها نشده است.

کلاوسن دو نسخه‌ی دیگر به خط اوغوری نشانی داده است که نگارنده به آنها دسترسی نداشت. یکی نسخه‌ی *هبه‌الحقایق* که نجیب اسیم<sup>۲</sup> آن را به شکل عکسی چاپ کرده است و دیگری نسخه‌ی *بختیارنامه* که متعلق به کتابخانه‌ی بادلیان دانسته شده است (Clouston, 1928, 110). علامه قزوینی نیز از نسخه‌ی *گلستان سعدی* به خط اوغوری یاد کرده است (۱۳۹۰، ۱۵۱). در فهرست نسخه‌های خطی راشد افندی، از مرقعی به نام *مجمع‌العجایب* (مرقع شماره‌ی ۱۴۲۷ دانشگاه استانبول معروف به مرقع فاتح) یاد شده است

---

۱. متن عربی این کتاب را سهیل زکار منتشر کرده است (ابن عربشاه، ۲۰۰۸) و در بخش خط جغتاییان سخنی از نمونه‌های الفبای اوغوری نشده است (ص ۳۰۴). ممکن است در نسخه‌های خطی دیگر این کتاب هم این نمونه الفباهای اوغوری آمده باشند، ولی در فهرس چیزی اشاره نشده است.

2. Nejb Asim

که سهیل انور آن را در سال ۱۹۵۸م منتشر کرده است (سبحانی و آق‌سو، ۱۳۷۴، ۶۲۱). این نسخه یک صفحه (برگ ۶۰ر) به خط اویغوری داشته است.

#### نتیجه

خط اویغوری در دوره‌ی مغولان رواج یافت و در ایران و چین در کنار خطوط کهن مورد استفاده قرار گرفت. این خط در آغازین سال‌های پس از ورود مغولان، برای نوشتن اسناد و متن روی سکه‌ها و پایزه‌ها استفاده می‌شد. اما هیچ دست‌نویس کاملی به خط اویغوری از دوره‌ی مغول و ایلخانی بر جای نمانده است. تاکنون ۷ نمونه (تمام یا بخشی از کتاب) به خط اویغوری شناخته شده است که در ایران تحت سلطه‌ی تیموریان و غالباً با حمایت حاکمان و یا شاهزادگان تولید شده است. الفبای این خط محدود است و با وجود اینکه اعراب آن بر خلاف الفبای عربی درون کلمه نوشته می‌شود، در کتابت نیازمند استفاده از حروف و اعراب مورد استفاده در نگارش عربی است. بیشتر نسخه‌های شناخته‌شده به خط بخشی‌ها نوشته شده‌اند که در سده‌ی نهم مسلمان شده‌اند و از شیوه‌ی نوشتار قلم‌های رایج در نگارش الفبای فارسی تأثیر پذیرفته‌اند. زبان این نسخه‌ها ترکی موسوم به جغتایی (شرقی / خوارزمی) است که واژگان فارسی بسیاری در آنها دیده می‌شود. متونی که پسند شاهزادگان تیموری بوده است، با ادبیات عرفانی و صوفیانه (به‌ویژه آثار عطار) که بیشتر ترجمه‌هایی از نمونه‌های ایرانی خودند، و نیز متون دینی، با این خط نگاشته شده‌اند. استفاده‌ی محدود از کتابت با این خط نشان‌دهنده‌ی دشواری قرائت آن است. انجام پژوهش‌های بیشتری برای شناخت این گروه از نسخه‌ها و هنرهای مختلف آنها ضروری است. در کتابت اویغوری میل به تزیین و ارسال و کشیده‌نویسی و تقارن و استفاده از گره در کتابت دیده می‌شود و بعضی از آنها به کتابت اسناد دولتی شبیه می‌شوند. شاید بتوان گفت کتابت خط اویغوری در نسخه‌های شناخته‌شده به سه دسته تقسیم می‌شود: نخست، کتابت نمونه‌ی نسخه‌ی *مثنویات عطار* که با استفاده از پهنای متفاوت قلم و شبیه نستعلیق نوشته شده است. دوم، نمونه‌ی *جنگ عبدالله سلطان* که اندکی تمایل به تزیین خط دارد. نمونه‌های *معراجنامه*، *مخزن‌الاسرار* و حتی *جنگ یزد* با آنکه اندک تفاوتی در کتابت دارند،

سیر تاریخی کاربرد خط ایغوری در نسخه‌های خطی ایرانی | ۱۳۱

در این دسته قرار می‌گیرند. سوم، یادداشت‌های تحریری نسخه‌ی تاریخ جهانگشای جوینی که نمونه‌ی دیگری ندارد و ظرافت کمتری نسبت به نمونه‌های خط ایغوری در نسخه‌های نفیس تیموری دارد. خط ایغوری مانند نمونه‌های فارسی در سرلوح‌ها با سفیدآب یا زر و تحریر مشک‌ی هم‌کتابت شده است و در نگارش بعضی حروف که شکل حرف به سبب داشتن زاویه، متناسب بوده، به کوفی و ثلث نیز تمایل پیدا کرده است.

منابع و مأخذ

- آتابای، بدری، (۱۳۵۵ش/۲۵۳۵ش)، فهرست دیوان‌های خطی، ج ۲، تهران: چاپخانه‌ی زیبا.
- ابن عرب‌شاه، احمد ابن محمد، (۲۰۰۸)، عجایب‌المقدور فی نوائب تیمور، تحقیق سهیل زکار، دمشق: التکوین.
- رسولی، رقیه، (۱۳۹۳)، «تمغا»، در: دانشنامه‌ی جهان اسلام، ج ۸، تهران: بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- تراپی طباطبایی، سید جمال، (۱۳۵۱)، رسم‌الخط اویغوری و سیری در سکه‌شناسی، [تبریز]: موزه‌ی آذربایجان.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی، (۱۳۳۳)، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد البشیر، ج ۴، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- خودداری‌نایینی، سعید، (۱۳۹۶)، «پایزه‌ای دیگر از سلطان ابوسعید ایلخانی»، آیین‌های میراث، دوره‌ی ۱۵، ش ۶۰، صص ۱۷۷-۱۸۸.
- دانش‌پژوه، محمدتقی؛ افشار، ایرج، (۱۳۴۴)، نشریه‌ی نسخه‌های خطی، تهران: دانشگاه تهران.
- دانش‌پژوه، محمدتقی؛ علمی‌انواری، بهاء‌الدین، (۱۳۵۹)، فهرست کتب خطی کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی (کتابخانه‌ی شماره‌ی ۲ (سنای سابق))، ج ۲، تهران: کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.
- درایتی، مصطفی، (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۱۰، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- رشیدالدین فضل‌الله، (۱۳۵۸)، تاریخ مبارک غازی، به اهتمام کارل یان، [لندن]: مطبعه‌ی ستفن اوستین.
- سیحانی، توفیق؛ آق‌سو، حسام‌الدین، (۱۳۷۴)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی استانبول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۵۵)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، تهران: فردوس.
- فخری‌هروی، محمدبن‌امیری، (۱۹۶۸)، تذکره‌ی روضة‌السلطین و جواهرالعجایب مع دیوان فخری‌هروی، تصحیح و تحشیه‌ی سید حسام‌الدین راشدی، حیدرآباد: سندی ادبی بورد.
- فسایی، حسن ابن حسن، (۱۳۸۲)، فارسنامه‌ی ناصری، تصحیح منصور رستگارفسایی، ج ۱،

تهران: امیرکبیر.

- قاشانی، ابوالقاسم عبدالله ابن محمد، (۱۳۴۸)، *تاریخ الجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- قزوینی، محمد، (۱۳۹۰)، *مسائل پارسیه (یادداشت‌های علامه محمد قزوینی)*، گردآوردی ایرج افشار و علی محمد هنر، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.

- قزوینی، یحیی بن عبداللطیف، (۱۳۸۶)، *لب‌التواریخ*، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- کسروی، احمد، (۱۳۷۸)، *مشعشعیان*، به کوشش عزیزالله علیزاده، تهران: فردوس.

- لاهیجی، علی بن شمس‌الدین، (۱۳۵۲)، *تاریخ خانی: مشتمل بر چهل سال تاریخ گیلان (از ۸۸۰ تا ۹۲۰)*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: فرهنگ ایران.

- واله اصفهانی، محمدیوسف، (۱۳۷۹)، *خلد برین (تیموریان و ترکمانان)*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.

#### REFERENCE:

- Campbell, George L; Moseley, Christophe, (2012), *The Routledge Handbook of Scripts and Alphabets*, London and New York: Routledge
- Clauson, Gerard (Sir), (1928), A Hitherto Unknown Turkish Manuscript in "Uighur" script, *Journal of the Royal Asiatic Society*, Volume 60, Issue 1 January 1928, pp.99-130
- Clauson Gerrard (Sir), (1962), *Turkish and Mongolian Studies. Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland Vol 20*. Brill: Netherland
- De Courteille, Pavet, (1882), *Miràdj-Nàmeh*, publié d'après le manuscrit ouïgour, traduit et annoté, Paris, E. Leroux.
- De Courteille, Pavet, (1889-1890), *Tezkereh-i-Evliâ. Le Mémorial des Saints*, translated from the Uighur manuscript of the Bibliothèque nationale, Paris, (2 vol.).
- Gruber, Christiane Jacqueline, (2005), "The Prophet Muhammad's ascension (mi rāj) in Islamic art and literature, ca. 1300-1600", *Dissertations available from ProQuest*, AAI3179741. Available at: <https://repository.upenn.edu/dissertations/AAI3179741/> (Downloaded: 9 march 2020).
- Gruber, Christiane, (2019), *The Collectors Who Cut Up A Masterpiece*, Available at: [https://www.prospectmagazine.co.uk/arts-and-books/gruber-figure-frieze-folio-islamic-artchristies?fbclid=IwAR30AT3qe843b0ePwm-kqHVWeh9hcyXoAuM5UGzAM5sy0aE\\_6fY0xUDcoyU](https://www.prospectmagazine.co.uk/arts-and-books/gruber-figure-frieze-folio-islamic-artchristies?fbclid=IwAR30AT3qe843b0ePwm-kqHVWeh9hcyXoAuM5UGzAM5sy0aE_6fY0xUDcoyU) (Downloaded: 17 October 2019).
- Kamada, Yumiko, (2010), "A Taste for Intricacy: An Illustrated Manuscript of *Mantiq al-Tayr* in the Metropolitan Museum of Art", *Orient* 45, pp.129-175.

- Pelliot, Paul, (1963), “Les documents mongols du Musée de Teherān”, *Athār-é Īrān, 1*, Paris: Librairie Orientaliste Paul Geuthner.
- Soucek, Priscilla, (1988), The New York Public Library "Makhzan al-asrār" and Its Importance, *Ars Orientalis*, Vol. 18, pp. 1-37
- Radolff, W[ilhelm], (1928), *Uigurische Sprachdenkmäler. Materialien*. Leningrad Verlag der akademie wissenschaften der USSR.
- Sims, Eleanor, (2014), “The Nahj al-Faradis of Sultan Abu Sa’id ibn Sultan Muhammad ibn Mirranshah: an illustrated Timurid ascension text of the “Interim” period” in *Journal of the David Collection*, 4, 2014, pp.124-125.
- Titley, N., (1977), *Miniatures from Persian Manuscripts*, British Museum , London.
- Yoshimoto, Chieko, (2014), “A Study of the Jurchen Large Script on the Pentalingual Night Inspection Tablet”, [in Japanese:] (五体合璧夜巡牌女真大字考釈 ,立命館言語文化研究), Kyoto: Ritsumeikan studies in language and culture 25(2), pp.201-211, 2014-01.